

پیشگیری از جرم در نهج البلاغه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۹/۱۲)

الهام فیض آبادی

چکیده

دین مبین اسلام به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی، بر امر پیشگیری از انحرافات فردی و اجتماعی به منظور برخورداری انسان‌ها از یک زندگی سالم و مطلوب و در نهایت، تأمین سلامت و سعادت افراد توجه ویژه‌ای دارد. در این زمینه، دین اسلام، حائز آموزه‌ها و تعالیم مهمی است و دستورات و توصیه‌های بسیار ارزشمندی را ارائه نموده است. در دنیای پیچیده کنونی، موضوع مبارزه با جرم و نحوه برخورد با مجرمین به مسأله‌ای دشوار و بغرنج تبدیل شده است. چراکه برخی از اندیشمندان حقوق کیفری بر اقدامات کیفری و اعمال مجازات اصرار دارند و برخی دیگر با اشاره به ناکارآمدی کیفر در مهار و کاهش وقوع جرم، با تکیه بر یافته‌های دانش جرم‌شناسی بر مقابله با علل و عوامل و بسترهای جرم‌زا و به بیان دیگر بر پیشگیری از وقوع جرم تأکید می‌نمایند. بخش قابل توجهی از آموزه‌های نهج‌البلاغه در حوزه‌ها و مضامین مختلف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روانشناسی و حقوقی مرتبط با راهکارهای مبارزه با جرم و پیشگیری از وقوع جرم است که در قالب الگوی سه مرحله‌ای پیشگیری قابل ارائه می‌باشد که راهبرد اصلی و زیربنایی این آموزه‌ها مبتنی بر رویکرد پیشگیرانه می‌باشد. یعنی، سیاست پیشگیری از جرم در نهج‌البلاغه اول بر سیاست کیفری و مجازات می‌باشد. البته مقابله کیفری با بزهکاری به منظور جلوگیری از وقوع جرم ضروری و مؤثر تلقی شده است ولیکن باید توجه داشت که این روش مبارزه با جرم به عنوان آخرین مرحله و همراه با به کار بستن سایر روشهای غیرکیفری با رعایت ملاحظات مربوطه به کار گرفته شود. اما به‌طور اجمالی از وجوه افتراق آموزه‌های پیشگیرانه نهج‌البلاغه با راهکارهای متداول ارائه شده در جرم‌شناسی پیشگیری عبارت است از ارائه برنامه جامع و فراگیر با توجه به همه عوامل درونی و بیرونی، فردی و اجتماعی بزهکاری می‌باشد.

واژگان کلیدی: پیشگیری، جرم، نهج‌البلاغه، بزهکار، آموزه‌های پیشگیرانه، جرم‌شناسی

مقدمه

دانش جرم شناسی، به عنوان شاخه ای نه چندان قدیمی در حقوق کیفری، به طور مستقیم، از جمله بر امر پیشگیری از جرم توجه داشته و در این زمینه، درباره بهترین طرق و راهکارهای پیشگیری از جرم، نظریه پردازی های فراوانی صورت گرفته است. انواع و اقسام متعددی از پیشگیری از جرم، تاکنون در دانش جرم شناسی ارائه شده اند و احتمالاً در آینده نیز وضع به همین ترتیب خواهد بود. این تقسیم بندی ها بر مبنا و ملاک های مختلفی صورت گرفته است. برخی از جرم شناسان که بر مؤلفه های محیطی به عنوان عوامل مؤثر در وقوع بزهکاری ها توجه دارند، راهبردهایی را پیشنهاد می دهند که ناظر بر محیط فیزیکی و مادی اطراف هستند و زمینه ها و بسترهای وقوع جرم را کاهش داده و تضعیف می کنند. این دسته از اندیشمندان، به ویژه بر امر طراحی های محیطی در راستای پیشگیری از جرم توجه و تأمل دارند. برخی دیگر از جرم شناسان نظریه پرداز در زمینه پیشگیری از جرم، بر عوامل غیر محیطی از جمله عوامل انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... تمرکز کرده و بزهکاری را محصول این عوامل می دانند و مثلاً فقر، بیکاری، تجرد، کمبودهای فرهنگی، عدم آموزش و تحصیلات، جنگ زدگی و بی خانمانی و مهاجرت و... را عامل مؤثر در بزهکار شدن افراد می پندارند و بدین ترتیب معتقدند که باید در راستای کاهش وقوع این قبیل رخدادها و یا در صورت رخداد، در راستای کاهش و تضعیف اثر اینگونه وقایع تلاش نمود. دین مبین اسلام نیز به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی، بر امر پیشگیری از انحرافات فردی و اجتماعی به منظور برخورداری انسان ها از یک زندگی سالم و مطلوب و در نهایت، تأمین سلامت و سعادت افراد توجه ویژه ای دارد. در این زمینه، دین اسلام، حائز آموزه ها و تعالیم مهمی است و دستورات و توصیه های بسیار ارزشمندی را ارائه نموده است. این آموزه ها را می توان در منابع و کتب اصلی و بنیادی که محورهای تفکر معتقدین به این دین را شکل داده اند یافت. در مذهب تشیع به عنوان یک شاخه از دین اسلام، در کنار قرآن کریم (به عنوان مهم ترین کتاب)، کتاب نهج البلاغه تعیین کننده در تدوین و تعریف آموزه ها و تعالیم والای اسلامی می باشد. نهج البلاغه، حاوی فرمایش های گهربار امیر مومنان حضرت علی (ع) در قالب خطبه ها، نامه ها و قصار (سخنان کوتاه) است. در این تعالیم و آموزه ها به ویژه بر تأثیر مقولات و مولفه های اعتقادی، تربیتی و پرورشی به منظور رشد انسان هایی متعهد و متخلق تأکید شده و بهترین راه دور نمودن

افراد از معصیت و نافرمانی از دستورات الهی، تلاش بر پرورش و تربیت درست و اخلاق مدار آن‌ها قلمداد شده است.

بخش اول: تعاریف و مبانی نظری

بند اول: معنای لغوی جرم

از نظر اجتماعی، جرم به آن دسته از اعمال انحرافی که به اعتقاد گروه یا گروه‌های حاکم، خطرناک تلقی می‌شوند، اطلاق می‌گردد. از نظر حقوق جزا، تعریف رسمی و قانونی جرم ملاک اعتبار بوده و از این لحاظ «جرم به فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که قانونگذار برای آن مجازاتی در نظر گرفته باشد و از طرف شخص مسئول ارتکاب یابد» که این تعریف در انطباق با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. از جنبه فقهی، «جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی سپرده است».^۱ معذکک، شاید دقیق‌ترین و ساده‌ترین تعریف از جرم این باشد که «جرم چیزی است که قانون جزا آن را منع نموده باشد»^۲ به‌دیگر عبارت، جرم عبارتست از هر عملی که موجبات ضرر به مؤلفه‌های امنیت جامعه را فراهم آورده و باعث فساد در جامعه شود.^۳

بند دوم: معنای لغوی و اصطلاحی بازدارندگی

واژه بازدارندگی به معنای بازداشت و منع (آریانپور)، ایجاد تردید از طریق ترس و تهدید (حییم)، جلوی کسی یا چیزی یا کاری را گرفتن (عمید) ذکر شده است. در حوزه علم جرم‌شناسی، از «هراس برآمده از مجازات که سبب گردد مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می‌شود و مجرم بالقوه‌ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری گزینند» به‌عنوان بازدارندگی یاد می‌شود. بازدارندگی به دو قسمت بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام، غیرمستقیم تقسیم می‌شود. در رویکرد خاص، هدف مجازات صرفاً این است که بزهکاران را از آسیب رسانیدن مجدد به شهروندان خود باز دارد و در رهیافت عام، سایرین را نیز از تبعیت از این راه منصرف

۱. مؤیدی، ۱۳۹۰.

۲. عزت، ۱۳۸۱.

۳. دهقانی، ۱۳۹۵.

نماید.^۱ مع‌الوصف در رویکرد فردگرایانه‌ی بازدارندگی خاص، اعمال مجازات، بزهکار را از ارتکاب مجدد بزه منع کرده و در رهیافت جامعه‌گرایانه‌ی بازدارندگی عام، موجب آگاهی مجرمین بالقوه از عقوبت ارتکاب جرم می‌شود و این همان معنای بازدارندگی عمومی است که محصول طلایی «پیشگیری از جرم» را با خود به ارمغان دارد، چه اینکه علت اصلی جعل احکام قضایی اسلام بازدارندگی مجرمان بالقوه و بالفعل از تکرار وقوع جرم دانسته شده است.^۲

بند سوم: معنای لغوی پیشگیری

پیشگیری در لغت، به معنای جلوگیری،^۳ خودداری، دفع، ممانعت، نهی، دور کردن، راندن (مرجع دادگان زبان فارسی). پیش‌بینی، تشخیص و ارزیابی خطر وقوع جرم و اقدام برای از بین بردن یا کاهش آن (فرهنگستان زبان و ادب فارسی) ذکر شده است. اما در جرم‌شناسی، «کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از آن» قلمداد می‌شود.

بند چهارم: مفهوم اصطلاحی پیشگیری از جرم

در معنای اصطلاحی پیشگیری از جرم، دو جهت‌گیری کلی وجود دارد. برخی از جرم‌شناسان مفهومی «موسع» برای تدابیر پیشگیرانه قائل می‌شوند، مطابق این مفهوم انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر این اساس، این نوع برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شود. لذا در این تعبیر حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات‌ها توسط قضات نیز پیشگیری به شمار می‌آید.^۴ لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را دربر می‌گیرد. برخی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و «مضیق» به کار می‌برند. در این مفهوم، «پیشگیری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل

۱. بکاریا، ۱۳۸۰: ۶۷.

۲. خداپننده، ۱۳۹۵.

۳. دهخدا.

۴. محمدنسل، ۱۳۹۳: ۲۷.

جرم‌زا یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصتهای جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد.^۱ لیکن در جرم‌شناسی پیشگیرانه، مفهوم اخیر پیشگیری مستعمل است.

بخش دوم: انواع پیشگیری از جرم

امروزه مفهوم پیشگیری دارای ابعاد مختلفی بوده و با توجه به این ابعاد، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در یک تقسیم‌بندی، پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در مقابل پیشگیری از جرائم بزرگسالان مطرح می‌شود. در مورد اطفال با فرض این که شخصیت آنان در حال شکل‌گیری است، رویکرد اصلاحی و پرورشی و اتخاذ تدابیر بازپروری بکار گرفته می‌شود، حال آنکه در رابطه با بزرگسالان بدلیل شکل گرفتن شخصیت در آنان، توسل به رعب‌انگیزی و تهدید به کیفر جایگزین می‌شود. در این خصوص، پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی یکسان به مرتکبان جرایم، ناکارآمد بوده و به پایدارشدن بزهکاری اطفال و نوجوانان بزهکار خواهد انجامید.^۲ از نقطه‌نظر زمان اتخاذ اقدامات پیشگیرانه، سه نوع پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث در رابطه با عموم افراد جامعه، بزهکاران بالقوه و مجرمین بالفعل تعریف می‌شود. پیشگیری اولیه یعنی مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه‌ی زمینه‌های ارتکاب جرم که در چارچوب توسعه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرند.^۳ از قبیل ارتقای شرایط زندگی و بهبود روابط افراد با توسل به عناصر آموزش، تأمین مسکن، فضاهای تفریحی و غیره. پیشگیری ثانویه یعنی به‌کارگیری شیوه‌هایی برای حمایت از افراد در آستانه خطر مانند: معتادان، ولگردان و کودکان بی‌سرپرست و خیابانی،^۴ و پیشگیری ثالث نیز به اقداماتی نظیر مشاوره برای زنان و بچه‌ها، مداخلات کیفری و گروه‌های گوناگون اطلاق می‌شود که معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است. پیشگیری‌های کوتاه مدت و بلند مدت نیز از نقطه نظر بازه زمانی فرایند اقدامات پیشگیرانه به پیشگیری‌های جامعه‌مدار، رشد‌مدار و آینده‌نگر تقسیم

^۱. همان.

^۲. موسوی، ۱۳۹۹.

^۳. رایجیان اصلی، مهرداد ۱۳۸۳: ۱۴۹.

^۴. همان: ۱۵۰-۱۴۹.

می شوند. در پیشگیری کوتاه مدت سعی بر این است که اقداماتی مقطعی و کوتاه مدت انجام گیرد تا بدین طریق بتوان فرصتهای وقوع انحراف یا جرم را کاهش داد. پیشگیری بلند مدت نیز طرح برنامه ها و سازو کارهایی است که از طریق آن بتوان در آینده فرصتهای وقوع جرم را کاهش داد. پیشگیری رشد مدار، یعنی مداخله روانشناختی - اجتماعی زودرس در فرایند رشد کودکان، برای جلوگیری از عوامل خطر سازی که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه ی پایدار را از سوی آنها در آینده افزایش می دهد. در واقع در رویکرد پیشگیری رشد مدار اعتقاد بر آن است که گرایش به ارتکاب جرم، مسیری است که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می شود.^۱ دسته دیگر، پیشگیری از جرم بواسطه طراحی محیطی است که در ذیل قلمرو پیشگیری وضعی قرار داشته و بر این اساس تکیه می زند که طراحی محیط پیرامونی انسانها بر فرصتهای ارتکاب جرم تأثیر دارد. به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، لاجرم فرصتهای مجرمانه کاهش خواهد یافت. این دیدگاه از لحاظ مبانی نظری تا حدودی شبیه پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار است که از آن به عنوان به روزترین و دارای گسترده ترین تدابیر الگوی کارآمد پیشگیری غیر کیفری یاد می شود^۲، لیکن قلمرو اجرا و اعمال آن محدودتر است. از نظر بهره گیری از اقدامات پلیسی و دخالت نهادهای گوناگون مدنی در پیشگیری فعال، نیروی پلیس محور اصلی پیشگیری است که برای اجتناب و دوری از وقوع جرائم وارد عمل می شود و در سطح اجتماعی نیز فعال است. در این میان، نقش نهادهای بازدارنده از جرم نیز حائز اهمیت است. در مقابل، در پیشگیری غیر فعال اقدامات متداول، از نوع تحذیر و ارعاب مانند هشدارهای پلیسی صورت نمی گیرد و نقش نهادهای بازدارنده از جرم مانند نیروی انتظامی و دستگاه قضایی نیز در این میان بسیار کم رنگ است. در یک طبقه بندی دیگر، از آنجایی که جرم به عنوان پدیده ای اجتماعی، تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی و اقتصادی رخ می دهد و پیشگیری از آن نیز از رهگذر تأثیر گذاری بر همان عوامل امکان پذیر است.^۳ پیشگیری غیر کیفری یا کنشی از حیث ماهوی اقدامی پیشین جهت خنثی نمودن

۱. مهدوی، ۱۳۹۸.

۲. آقائی، ۱۳۹۹.

۳. تقی پور، ۱۳۹۸.

عوامل گذار از اندیشه به ارتکاب جرم مطرح می‌باشد، و در حقیقت درمان ریشه‌ای قبل از وقوع جرم است. این نوع از پیشگیری در پرتو پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی قابل بررسی است. پیشگیری وضعی در برگرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند.^۱ راهبرد این شیوه، کاهش و حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم.^۲ از رهگذر کنترل بزه‌کار، حفاظت از بزه‌دیده و ایجاد تغییرات محیطی است. تمرکز پیشگیری وضعی بر انگیزه‌ها و ایجاد موانع رفتاری خاص، آن را از سایر رویکردهای دیگر پیشگیری از جرم متمایز می‌سازد. پیشگیری اجتماعی نیز شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی افراد از قبیل محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خانواده تلاش دارد تا سازوکارهای خودکنترلی و مهارت‌های اجتماعی را افزایش دهد.^۳ که از جمله آن تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها برای تفریح، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمذزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی است.^۴ پیشگیری کیفری یا واکنشی از طریق اعمال مجازات‌ها، رعب‌انگیزی و عبرت آموزی جمعی یا فردی در صدد پیشگیری از بزه‌کاری دوباره افراد است. پیشگیری قضائی نیز تدابیر دستگاه قضائی در خصوص اصلاح مجرمان از طریق اعمال سیاست‌های تقنینی در مقابل مجرمین، بعنوان مثال استفاده مناسب از قرارهای تأمین و ضمانت اجراها و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری را شامل می‌شود.^۵ نهایتاً پیشگیری انتظامی به منظور ارتقای ضریب امنیت اجتماعی و ایجاد احساس امنیت و کاهش جرم از طریق بکارگیری برنامه‌های انتظامی نظیر استفاده از مأمورین با لباس فرم، ایجاد گشت‌های انتظامی، جلب اعتماد عمومی نسبت به نیروی پلیس و غیره صورت می‌پذیرد.

۱. چاله چاله، ۱۳۸۷: ۶.

۲. دیدا، ۱۳۹۷.

۳. ساریخانی، ۱۳۹۵.

۴. عباچی، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۰.

۵. شیری، ۱۳۸۶.

بخش سوم: بررسی تاریخچه پیشگیری از جرم

در طول تاریخ تفکر کیفری در پاسخ به چرایی کیفر، مبانی گوناگونی مطرح شده و تمامی این نظریات در نظام‌های مختلف کیفری جوامع، آثار به سزائی داشته است. این نظریات در دو دسته اصلی نظریات گذشته‌نگر و آینده‌نگر قابل بررسی و تحلیل‌اند: مطابق نظریه گذشته‌نگر و سزاگرایی امانوئل کانت فیلسوف روسی و تابعان او، مجازات فرد مجرم با توجه به اصول اخلاقی، صورت گرفته و فرد را مطلقاً نمی‌توان به علت فایده‌ای که مجازات در آینده برای فرد و جامعه همراه می‌آورد، مجازات کرد. از این رو فرد مرتکب عمل غیراخلاقی در هر صورت باید مجازات شود و به سزای عملش برسد و عدالت با مجازات وی محقق می‌شود. در مقابل، مطابق نظریات فایده‌گرا و آینده‌نگر بنتام و سایر فلاسفه، به ثمرهای که مجازات کردن فرد به بار می‌آورد توجه می‌شود و رویکرد، آن است که مجازات فرد باید فایده‌های در آینده داشته باشد و در غیر این صورت صرفاً هزینه‌ای به جامعه تحمیل شده است. در کنار نظریه مبتنی بر بازدارندگی، نظریات دیگری نیز در سده‌ی اخیر پدیدار شدند که آینده‌نگر محسوب می‌شوند. یکی از این نظریات، نظریه مکتب تحقیقی حقوق کیفری بود. در نظریه جرم‌شناسی اثباتی لومبروزو، مجرم فردی بود که نظام فکری و جسمی‌اش وی را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌داد و قابلیت اینکه اصلاح شود یا با اراده خود از مجازات بترسد و مرتکب جرم نشود، نداشت. پاسخ مناسب برای چنین بیماری، طرد از جامعه بود که با ناتوان‌سازی وی، محیطی امن ایجاد می‌شد و کیفر به مثابه اقدامی تأمینی تصور می‌شد. این ابزار محیط را سالم‌سازی می‌کرد و میکروب بیماری برای جلوگیری از واگیر، از جامعه حذف می‌شد. اما مهمترین نگرش حوزه‌ی فایده‌گرا، نظریه مرتبط با بازدارندگی است. در این رویکرد، فایده‌ای که مجازات برای جامعه به ارمغان می‌آورد ارعاب مجرمین بالقوه کنترل بزهکاری و تهدید مجرمی که مجازات علیه او اجرا شده، به عدم تکرار جرم است. به عقیده موریس کوسون مراد از کنترل بزهکاری «مجموعه شیوه‌هایی است که انسانها به منظور جلوگیری یا محدود کردن جرم، اختصاصاً بکار می‌برند.» به نظر ریموند گسن، حقوقدان و جرم‌شناس، هرچه کنترل غیررسمی فعالتر و مؤثرتر باشد نیاز به کنترل رسمی و شدید کمتر خواهد بود. عکس این قضیه نیز صادق است، بنابراین هرچه پیشگیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی کوتاهی کند پیشگیری وضعی باید در جهت جلوگیری گذار از اندیشه به عمل، فعالتر و

گسترده‌تر گردد.^۱ در این میان فلسون و کلارک در دفاع از پیشگیری وضعی از جرم، آن را از نظر اخلاقی برتر از سایر اشکال پیشگیری می‌دانند چراکه قابل دفاع‌ترین صف‌آرایی جامعه در مقابل جرم است. در سالهای اخیر پژوهش‌هایی چند در زمینه پیشگیری از جرم صورت گرفته است. در این خصوص، بختیاری در سال ۱۳۹۷ به واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه پرداخته و معتقد است بازدارندگی از فساد، ریشه در پایبندی مذهبی و اخلاقی افراد دارد. الوانی و اسلام‌پناه سال ۱۳۹۵ در پژوهشی دایر بر طراحی مدل بازدارنده‌ی فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج‌البلاغه، پیشگیری از فساد اقتصادی را در گرو تقویت نگرش‌ها و باورهای دینی افراد می‌دانند چراکه رفتار افراد تحت تأثیر باورها و ارزشهای آنها شکل می‌گیرد. خارستانی و همکاران سال ۱۳۹۹ به شناسایی موانع تحقق اصل انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) پرداخته و با تمسک به نامه ۴۷ نهج‌البلاغه رعایت تقوا و نظم را راهگشای حل تعارضات اجتماعی می‌دانند. در میان مطالعات دیگر محبی و همکاران (۱۳۹۵)، دایره‌ی جرائم در نظام حقوقی ایران از حیث مجازات‌ها را بررسی نمودند. تابان و همکاران (۱۳۹۵) با انتخاب مؤلفه‌هایی، نظام‌سازی اسلامی را مدل‌سازی نمودند. نریمانی و طاهری‌نیا (۱۳۹۹) به بررسی بهره‌گیری امام علی(ع) از پیشگیری مثبت بعنوان یکی از کارکردهای روانشناختی در ایجاد امنیت روانی در کارگزاران پرداختند.

در بررسی روشهای اصلاحی امیرالمؤمنین علی(ع)، چلونگر (۱۳۹۶)، این شیوه‌ها را در دو دسته تغییرات درون ساختاری با ملازمت ارشاد و تساهل در امور فرهنگی، و تغییرات انقلابی در عرصه‌ی سیاست می‌داند. در پژوهشی توسط روحی و قربانیان (۱۳۹۶)، شیوه‌های حضرت علی(ع) برای جذب و هدایت دشمنان، ابتدا نرمش و مدارا بود، اما هنگامی که تمام راه‌های مسالمت‌آمیز بسته می‌شد، برای خاموش کردن فتنه‌ای که آنان ایجاد کرده بودند با قاطعیت اقدام می‌نمود. همچنین، کریمی (۱۳۸۹)، مقررات قرآن کریم برای پیشگیری از جرم را شامل پیشگیری اصلاحی، وضعی و کیفری دانسته و به تأکید ویژه قرآن بر پیشگیری اصلاحی در کنار سایر انواع پیشگیری اشاره نموده است.

۱. ر.ک. گسن، ۱۳۸۳.

بخش چهارم: پیشگیری غیر کیفری در نهج البلاغه

بند اول: پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی به عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزهکاری نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط کلارک، کورنیش و هیهیور مطرح شد. از دیدگاه کلارک، پیشگیری وضعی از جرم به مجموعه اقدامات قابل سنجش و ارزیابی در برخورد با جرم اطلاق می شود. البته این نوع از پیشگیری به لحاظ خصیصه‌ی غیرمادی آماج جرم یا ویژگی غیرعمدی عمل مجرمانه درباره «تمامی جرائم» قابلیت اعمال را ندارد. همچنین این نوع از تدابیر پیشگیرانه درباره «همه بزهکاران» بالقوه، به ویژه افراد نابخرد و یا افراد بس خردمند نافذ نخواهد بود.^۱

رهیافتهای پیشگیری از جرم: تعداد شانزده رهیافت پیشگیری وضعی از جرم در چهار دسته توسط کلارک ارائه گردیده است:

(۱) افزایش تلاش لازم جهت ارتکاب جرم: این گروه سعی دارد با ایجاد موانع فیزیکی سبب محدود نمودن فعالیت بزهکاران بالقوه گردد. اقداماتی نظیر قفل کردن درب‌ها، نصب قفل ایمنی روی فرمان خودرو، استفاده از گاوصندوقها، بهره‌گیری از شیشه‌های ضد گلوله نمونه‌هایی از حفاظت از آماج جرم به‌شمار می‌روند.

(۲) افزایش خطرات ناشی از ارتکاب جرم: بعنوان مثال نصب فلزیاب‌های گیت‌های فرودگاهها موجب افزایش خطر دستگیری کسانی که قصد بردن سلاح یا مواد منفجره به داخل هواپیما را دارند می‌گردد. و یا بکارگیری دستگاه‌های دزدگیر یا کشف سرقت در فروشگاه‌های کتاب نیز در همین راستا صورت می‌پذیرد. نظارت رسمی شامل استفاده از افسران اونیفورم پوش یا نصب دوربین‌های امنیتی نیز همین‌طور.

(۳) کاهش جاذبه‌های آماج جرم: هدف این دسته از تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم کاهش منافع عاید از ارتکاب بزه می‌باشد از قبیل ارائه بلیط بجای پول در وسائط نقلیه.

(۴) افزایش احساس شرم و گناه حاصل از ارتکاب جرم: که عبارتند از: وضع قوانین خاص که مجرمین بالقوه را با این واقعیت مواجه می‌سازد که در صورت ارتکاب بزه باید بهای سنگینی را

۱. نجفی، ۱۳۷۶: ۶۰۸.

بپردازند. به عنوان مثال قوانین وضع شده از سوی مؤسسات در رابطه با آزار جنسی خانم‌ها.

بند دوم: پیشگیری وضعی از منظر نهج البلاغه

رویکرد غیرکیفری امیرالمؤمنین در پیشگیری از جرائم به دو صورت رسمی و غیررسمی صورت می‌پذیرفته است. در ذیل نظارتهای رسمی، تشکیل نهاد حسبه است که با الهام از آموزه «امر به معروف و نهی از منکر» شکل گرفت. مسئول حسبه به افرادی همچون قضات و ولات تذکر میداد و آنها از اشتباهات احتمالی آگاه می‌ساخت، به تنظیم بازار می‌پرداخت و متخلفان اجتماعی را تنبیه می‌نمود. امیرالمؤمنین خود چنین اموری را انجام می‌داد. ایشان در بازار کوفه می‌گشت و مردم را به خداترسی، راستگویی، درستکاری و پرهیز از کم‌فروشی فرا می‌خواند. مزاحمان اجتماعی را فوراً تنبیه می‌کرد و به قصابان راه و رسم ذبح شرعی می‌آموخت، به معلمان تذکر می‌داد بیش از سه ضربه به کودکان نزنند و گرنه خود تنبیه می‌شوند. آن حضرت هم‌چنین در اوامر و نواهی خود، اصول کلی معاملات عادلانه را بیان، و بازرگانان را به وظایف خود آشنا می‌کرد و از این رو به تنظیم بازار و اصلاح امور می‌پرداخت و چه‌بسا تمامی این امور به قصد پیشگیری از جرائم صورت می‌پذیرفت. بحث نظارت، یکی از روشهای امام علی(ع) در قبال کارگزاران حکومتی بود که در شکل رسمی از طریق نصب مسئولین و بازرسان انجام می‌پذیرفت. این امر در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع «نظارت قبل از سپردن مسئولیت» و «نظارت مستمر در حین مسئولیت» کارگزاران تقسیم می‌شود. وی اقدامات گزینشی دقیق و حساسیت‌های مضاعفی را در سپردن مسئولیت به اشخاص لحاظ می‌نمود که به چند مورد اشاره می‌شود:

امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد انتخاب فرماندهان لشکر به مالک اشتر چنین می‌فرماید: برای فرماندهی سپاه کسی را بگمار که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیش‌تر، و دامن او پاک‌تر، و شکیبایی‌اش برتر باشد. از کسانی باشد که دیر به خشم آیند و عذرپذیرتر باشند، و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت بازدارد.^۱ حضرت در انتخاب قاضی شرایطی را تعیین می‌دارند که نوعی نظارت بر وی پیش از سپردن مسئولیت و در جهت تحقق پیشگیری از انحراف آنان است. حضرت

^۱. نهج البلاغه: نامه ۵۳.

می فرمایند: از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه فراوان، آن ها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشناک نسازد. در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد. آن حضرت در مورد نحوه انتخاب کارگزاران نیز می فرمایند: «کارگزاران حکومتی را ابتدا بیازما و سپس بکارگیر و در نحوه انتخاب آنان با دیگران مشورت کن».^۱ یکی دیگر از شیوه های نظارت، بصورت نامحسوس است که نمونه آن در نامه امام به زیاد ابن ابیه استاندار فارس است، امام از نامه نگاری وی با معاویه بن ابی سفیان اطلاع یافت و به وی چنین یادآور شد: «اطلاع یافتم که معاویه برایت نامه ای نوشته است تا عقلت را بلغزند و اراده ات را سست کند. از او بترس که شیطان است.» امیرالمؤمنین با نگارش این نامه بطور نامحسوس به امر نظارت بر وی گوشزد می کند و اتمام حجت می نماید تا مبدا وی دچار خطا شده کاری خلاف شرع انجام دهد. مثالی دیگر، نامه حضرت به یزید بن قیس ارحبی است. حضرت با رویکردی پیشگیرانه چنین می نگارد:

در فرستادن خراجت دیر کردی و نمی دانم تو را چه بر آن داشته است، جز اینکه من تو را به پرهیزکاری خدا وصیت می کنم و از اینکه با خیانت کردن به مسلمانان اجر خود را ضایع کنی و جهاد خود را باطل سازی بیم می دهم. پس خدا را پرهیزکار باش و خود را از حرام دور بدار.^۲

حضرت گزارش های مردمی را نیز در امر نظارت بر عملکرد مدیران و کارگزاران ملاک قرار می دادند. این گزارش ها به صورتهای حضوری، بیت القصص و قضای مظالم تحقق می یافت. نمونه ای از گزارش های حضوری، گزارش سوده همدانی بود که موجب برکناری یکی از کارگزاران گردید. حضرت پس از این گزارش در نامه ای به کارگزار خود چنین نوشتند: وزن و پیمانه را تمام و کمال بدهید، در روی زمین فساد نکنید و ظلم را در جهان رواج ندهید. سپس خطاب به به کارگزار خود نوشتند: آنچه را که از بیت المال در دست توست حفظ کن تا آنکس که اموال را از تو تحویل می گیرد بر تو وارد شود.^۳ از جمله گزارش های رسیده به بیت القصص، ماجرای خیانت ابن هرمة ناظر بازار اهواز بود. که امام در نامه ای به فرماندار اهواز چنین دستور

^۱. همان.

^۲. یعقوبی، ۱۳۷۹.

^۳. طباطبایی، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۰.

دادند: او را از نظارت بازار برکنار و به مردم معرفی کن و به زندانش افکن و رسوایش ساز، و چون روز جمعه رسید او را از زندان درآور و ۳۵ تازیان بزن و در بازارها بگردان.^۱ نهاد «قضای مظالم» نیز مرجع رسیدگی به تخلفات اقتصادی کارگزاران از مجرای شکایت مردمی بود.

بند سوم: پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی نیز از طریق جامعه‌پذیری افراد حاصل می‌شود. جامعه‌پذیری نوعی جریان است که در خلال آن فرد عناصر مختلف محیط اجتماعی پیرامون خود را فرا گرفته و آن را منطبق بر شخصیت خود می‌سازد. بنابراین بر اساس دو عملکرد «یادگیری و درونی‌کردن»، افراد از شخصیتی بهنجار برخوردار شده و وظایف خود را در قبال جامعه مطابق با ارزشهای آن جامعه انجام می‌دهد. از مؤلفه‌های جامعه‌پذیری می‌توان به نقش خانواده، تعلیم و تربیت، تأمین اقتصاد، اغماض و چشم‌پوشی از خطا، قناعت، شجاعت، نهی از غیبت، حجاب، زندگی جمعی، تقوا و حکمت نام برد.

بخش پنجم: پیشگیری اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه

از نگاه امیرالمؤمنین، پیشگیری اجتماعی درواقع یکی از ابزارهایی است که دولتمردان برای ایجاد عدالت و تعادل در جامعه مورد توجه قرار می‌دهند. حضرت معتقد است که در جامعه طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد و وظیفه حاکم عادل برای ایجاد عدالت اجتماعی ایجاد هماهنگی و تعادل بین این طبقات است.^۲ همچنین در تبیین نقش نهادهای مردمی، حضرت به نقش خانواده‌ها در تربیت فرزندان بسیار توجه نموده و معتقد است تربیت صحیح فرزندان منجر به داشتن جامعه‌ای ایده‌آل خواهد شد تا آنجا که در سیره تربیتی امام در نقش و اهمیت شیر مادر و نیز انتخاب دایه می‌فرمایند: «انظروا من ترضع اولادکم فان الولد یشب علیہ، نگاه کنید کدام زن به فرزند شما شیر می‌دهد زیرا فرزند بر آن رشد می‌کند.»^۳ مؤلفه دیگر پرهیز از غیبت است چه اینکه در اثر غیبت، افراد حس منفی به هم پیدا می‌کنند، با یکدیگر قطع رابطه کرده و در نتیجه، جدایی افراد در سطح جامعه حاصل می‌شود. امیرالمؤمنین در این خصوص می‌فرمایند: «از غیبت اجتناب کن که غذای

^۱. حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۱۶.

^۲. کارخانه و موسی‌وند، ۱۳۹۵: ۸۳.

^۳. همان: ۷۸.

سگان دوزخ است.» نیز در مذمت عیب‌جویی می‌فرماید: "از رعیت، آنان را که عیب جوت‌رند، از خود دور کن." همچنین تعریفی که امام از شجاعت بیان می‌دارد این است که انسان همواره اختیاردار امیال و رفتار خود باشد و اجازه غلبه امیال و خواهش‌های نفسانی را ندهد. "اقوی الناس من قوی علی غضبه بحلمه، شجاع‌ترین مردم کسی است که بتواند بوسیله حلم و بردباری خشم خود را مهار سازد".^۱ چنین فردی در برابر درخواستهای نابهنجار دورنی مقاومت نشان داده و براحتی در مسیر ارتکاب بزه نخواهد افتاد. حضرت از داشتن علم و دانستن حقایق عالم، به حکمت تعبیر می‌کند به افراد توصیه می‌کند در تحصیل علم و دانش جهد نمایند چرا که فرد با آگاهی داشتن از مجازات و عواقب رفتارهای نابهنجار به هنجارهای اجتماعی بیشتر توجه می‌کند و خود را ملزم به رعایت آنان می‌کند.^۲ در سیره جزائی امام علی(ع) کناره‌گیری از زندگی دنیوی و عدم فعالیت معیشتی، مخالفت از دستورات الهی دانسته می‌شود. حضرت امیر در جریان عزلتطلبی عاصم بن زیاد، وی را سرزنش نموده می‌فرماید: «به خدا قسم آشکار کردن نعمت‌های خداوند با عمل، نزد او محبوبتر از بازگویی آنها با زبان است.» در اندیشه امام علی(ع) داشتن شغل علاوه بر یک تکلیف، امری مقدس و به مثابه جهاد عنوان شده است. «ان الله يحب المؤمن المحترف، خداوند مؤمن صاحب حرفه را دوست می‌دارد.» یکی از نکاتی که در پیشگیری اجتماعی به آن توصیه می‌شود پوشاندن، مخفی کردن و دور از دسترس مجرم قرار دادن آماج است، چه اینکه کاهش جاذبه آماج از رهیافتهای پیشگیری از جرم می‌باشد. لذا توجه به مسأله حجاب دارای آثار پیشگیرانه می‌باشد. چراکه زنان با پوشش خود از بسیاری از جنایات و جرائم در امان می‌مانند.^۳

بخش ششم: رویکرد نهج‌البلاغه در پیشگیری کیفری از جرم

حضرت قائل به شدت مجازات‌ها در مبارزه با برخی از جرائم می‌باشد، بطور مثال در ماجرای مجازات رفاعه در نامه‌ای به فرماندار اهواز چنین دستور می‌دهند: و به هم بخشهای تابع اهواز بنویس که من این‌گونه عقوبتی (شدید) برای او معین کرده‌ام، مبادا در مجازات او غفلت یا کوتاه کنی که نزد خداوند خوار می‌شوی و من به زشت‌ترین صورت ممکن تو را از کار بر کنار

^۱. همان: ۷۹.

^۲. محمدی، ۱۳۷۵: ۵۸.

^۳. زرگری، ۱۳۹۰.

می‌کنم.^۱ در بررسی عنصر قطعیت در مجازاتهای امام علی(ع)، حضرت بی هیچ اغمازی حدود الهی را اقامه می‌نمود، تا جایی که در حدیث نبوی پیامبر اسلام می‌فرمایند: علی در اجرای حقوق الهی «خشن» است. ازین رو در ماجرای مجازات یک کارگزار خیانتکار، امیرالمؤمنین چنین می‌فرماید: پس از خدا بترس، و اموال آنان را بازگردان، اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد... و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید.^۲ در تسریع امر دادرسی ذکر همین نکته بس که حضرت تنها پس از چند روز از به دست گرفتن زمام امور جامعه در خطبه‌ای می‌فرماید: «به خداوند سوگند که بیت‌المال تاراج شده را در هر جا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم».^۳ با قدری دقت در سیره قضایی آن حضرت می‌توان به این نتیجه رسید که نحوه دادرسی آن حضرت تلفیقی از «نظام اتهامی» که از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به علنی بودن محاکمات، رعایت تساوی بین اصحاب دعوا، اثبات از طرق شهادت، سوگند و... اشاره نمود و «نظام تفتیشی» که مشتمل بر روش‌هایی نظیر تحقیقات مقدماتی، اقرار متهم و علم قاضی است تکیه می‌شود. از خصوصیات نظام دادرسی علوی می‌توان به وجود مجازاتهای فوری، قاطع و بدون تشکیل محکمه، نقش توبه، عفو و بخشش، عمومی (حقوقی و کیفری) بودن نظام دادرسی، عدم اصرار بر وجود وحدت قاضی و نقش مشورت اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

در انجام این پژوهش بررسی تمامی متن نهج‌البلاغه مورد نظر بوده است. نوآوری این پژوهش در طرح سه مقوله فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از متن نهج‌البلاغه و استخراج گزاره‌های پیشگیرانه از جرم با استفاده از این مقوله‌ها تحت عناوینی چون مدیریت کارگزاران، تأمین امنیت، اقامه عدالت، تعلیم و تربیت، روشنگری و تأمین رفاه همگانی می‌باشد. تمامی موارد ذکر شده حاکی از آن است که حضرت نه تنها به موضوع پیشگیری از جرم توجه جدی داشته بلکه در راستای اقامه این امر اقدامات عملی نیز اتخاذ نموده است:

۱. حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۱۶.

۲. نهج‌البلاغه: نامه ۴۱

۳. نهج‌البلاغه: خطبه ۱۵.

۱) امیرالمؤمنین علی(ع) در راستای پیشگیری از جرم، هم قائل به استفاده از مؤلفه‌های غیر کیفری از قبیل اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و وضعی بوده و هم در بکارگیری مؤلفه‌های کیفری، از دو رویکرد تنبیهی و اصلاحی استفاده نموده است. حضرت در برخی موارد به هشدار، نصیحت و اقدامات کشتی بسنده نموده و در سایر موارد به توبیخ و مجازات قاطعانه اقدام نموده است.

۲) آن حضرت به جنبه‌ی پیشگیری غیر کیفری از جرم اهتمام بسیار داشته است. با وجود آن که نقطه ثقل اندیشه‌های امیرالمؤمنین توجه به جنبه‌های پیشگیرانه از جرم بوده است، مع الاسف در تدوین قوانین موضوعه کشور، کمتر از اندیشه‌های آن حضرت استفاده شده و در پژوهشهای انجام یافته در این زمینه نیز کاستی‌هایی به چشم می‌خورد.

۳) امیرالمؤمنین علاوه بر ترسیم وظایف عناصر حکومتی، قائل به بهره‌گیری از نقش مشارکتی نهادهای مردمی علی‌الخصوص خانواده‌ها و بویژه در پیشگیری اجتماعی و رشدمدار از جرم بوده است. حال چنانچه خانواده‌ها نقش تربیتی خود را به درستی ایفا کنند، بطور چشمگیری شاهد کاهش جرائم این حوزه خواهیم بود البته این خود مستلزم آموزش خانواده‌ها توسط نهادهای قضائی و اجرائی است.

۴) بسترسازی جهت ایجاد روحیه کار و تلاش در میان مسئولین و افراد جامعه که از طریق آموزش و تشویق مردم حاصل می‌شود، یکی از مؤلفه‌های اساسی در پیشگیری از جرم می‌باشد. حفر چاه و شخم زمین توسط امیرالمؤمنین را می‌توان یکی از مصادیق عملی تکوین جامعه مطلوب از رهگذر روحیه کار و تلاش دانست.

۵) با توجه به اینکه حضرت از فقر به عنوان عاملی در برهم زدن تعادل اجتماعی یاد می‌کند، تا آنجا که می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»، لذا توجه به مسائل اقتصادی و معیشتی افراد و در رأس آن ایجاد زمینه‌های اشتغال مناسب، موجب کاهش چشمگیر ارتکاب جرائم خواهد بود. فلذا دستگاه اجرائی در این زمینه مورد سؤال است.

۶) پرورش معنویات و مکارم اخلاقی در افراد باعث ایجاد ناظری درونی در انسان می‌شود؛ ناظری که همواره و در هر حال مراقب فرد بوده و خود عاملی نیرومند در کنترل رفتارهای فرد و عدم گرایش وی به انحرافات است. آموزش این اصول می‌تواند با بهره‌گیری از سیره علوی و از طریق سیستم آموزشی کشور صورت پذیرد. لذا نهادهای ذی‌صلاح در امور آموزش دینی از قبیل

وزارت‌ها و سازمان‌های دخیل، حوزه‌ها، دانشگاه‌ها و مساجد، به عنوان بازویی قدرتمند تحت راهبردی واحد که همانا الگوپذیری از تعالیم نهج‌البلاغه است، باید فعال‌تر و هماهنگ‌تر عمل نمایند.

(۷) همچنین با توجه به اهمیت نظریه پردازی‌های بومی منطبق با فرهنگ کشور، و نظر به اینکه چنین منابع ارزشمندی نظیر نهج‌البلاغه در دسترس است، لذا ورود پژوهشگران و دانشمندان این عرصه از ایده‌پردازی تا تقنین قوانین بسیار ضروری است.

(۸) بی تردید اقامه فریضه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان ابزار مشارکتی افراد در فرایند پیشگیری از جرم نقشی بی بدیلی در کاهش سطح جرم در جامعه دارد، امری که امروزه در جوامع غربی از آن به شکل اهرمی در یاری رساندن به نهادهای قضائی استفاده می‌شود. لذا تشکیل نهادی با این عنوان و تدوین آیین‌نامه راهبردی پیشگیری از جرم تحت برنامه‌ای یکپارچه و هماهنگ بطوری که تمامی دستگاه‌های دخیل را پوشش داده و برخوردار از دو ویژگی آموزش عمومی و تخصصی افراد (به تناسب مخاطب) و ضمانت اجرایی بالا باشد راهگشا خواهد بود.

(۹) تمرکز تحقیق پیشرو بر جنبه‌های کیفری، غیرکیفری، وضعی و اجتماعی از جرم از منظر نهج‌البلاغه بوده است لکن تحقیقات آتی می‌تواند در همین راستا و با بهره‌گیری از دریای غنی از معارف نهج‌البلاغه در ارتباط با سایر انواع پیشگیری از جرم سامان یابد.

منابع و مآخذ

قرآن، نهج البلاغه و بعد

۱. آقائی، رضا (۱۴۰۱). باید و نبایدهای پیشگیری از جرم، انتشارات قانون یار.
۲. اسدی، بهنام. (۱۳۹۷). قانون یار آیین دادرسی کیفری، انتشارات فرزندگان دانشگاه..
۳. آقائی، مهدی. مهرا، نسرين (۱۳۹۹). «تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم و تخلفات رانندگی و آسیب‌شناسی آنها»، مجله حقوقی دادگستری.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ هفدهم، جلد نخست.
۵. بختیاری، حسین (۱۳۹۷). «واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۹، شماره ۱۸، صفحات ۲۹-۵۲.
۶. بکاریا، سزار (۱۳۸۰). رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم.
۷. تابان، محمد و دیگران (۱۳۹۵). «نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی»، پژوهشهای علم و دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲، صفحات ۱-۲۴.
۸. تقی‌پور، علیرضا (۱۳۹۸). «پیشگیری غیرکیفری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، سال هشتم، شماره ۲۴، صفحات ۱۸-۱.
۹. چاله‌چاله، فرشید (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی پیشگیری از جرم»، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۶، صفحات ۱۰-۴.
۱۰. چلونگر، محمد علی (۱۳۹۶). «روش‌ها و ویژگی‌های شیوه‌های اصلاحی امام علی(ع)»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۸، شماره ۱۵، صفحات ۱-۲۲.
۱۱. حسینی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۱). «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، شماره ۷۹، صفحات ۱۷۸-۱۵۵.
۱۲. حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۰). الحیات، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ششم.

۱۳. خارستانی، اسماعیل. فیاض، ایراندخت. خورسندی، علی (۱۳۹۹)، «عوامل، موانع و راهکارهای مدیریتی مؤثر در تحقق انضباط اجتماعی بر مبنای آموزه‌های تربیتی امام علی(ع)»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صفحات ۱-۲۵.
۱۴. خدابنده، داود (۱۳۹۵)، نقش بازدارندگی احکام قضایی اسلام با تأکید بر حدود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
۱۵. دادبان، حسن. آقایی، سارا (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره سی و نه، شماره سوم، صفحات ۲۵-۴۸.
۱۶. دهقانی، روشن. هادوی، اصغر (۱۳۹۵). «آثار تربیتی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۴، صفحات ۸۳-۱۰۳.
۱۷. دیدا، مهدی (۱۳۹۷). «پارادیم‌های پیشگیری وضعی و انتقادات وارد بر آن»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره چهارم - شماره ۱/۱، صفحات ۱۱۲-۱۰۲.
۱۸. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، صفحات ۱۶۸-۱۲۳.
۱۹. روحی برندق، کاوس. قربانیان، صالح (۱۳۹۶). «شیوه‌های اجتماعی سیاسی امیرمومنان(ع) در جهت جذب و هدایت مخالفان»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۸، شماره ۱۵، صفحات ۲۳-۴۲.
۲۰. زرگری، سیدمهدی (۱۳۹۰). پیشگیری از بزهکاری، تهران: نگاه بینه، چاپ اول.
۲۱. ساری‌خانی، عادل. سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵). «نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۴، صفحات ۱۵۴-۱۴۱.
۲۲. شریف رضی (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
۲۳. شیری، عباس (۱۳۸۶). «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات و پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره دوم، دوره دوم بهار، صفحات ۵۲-۱۵.
۲۴. صمدوند، سجاد (۱۳۹۶). تحول پیشگیری از جرم در بستر تاریخ با رویکرد آموزه‌های نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

ارومیه، ۱۴۳ صفحه.

۲۵. طباطبایی ندوشن، سیدروح الله. میرجلیلی، علی محمد (۱۳۹۵). «تأثیرپذیری امام خمینی (ره) از الگوی نظارتی امام علی علیه السلام بر کارگزاران»، اسلام و پژوهشهای مدیریتی، شماره دوازدهم، صفحات ۶۱-۷۹.

۲۶. عباچی، مریم: (۱۳۸۳). «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و هفتم، صفحات ۸۶-۴۹.

۲۷. عزت، عبدالفتاح (۱۳۸۱). «جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدام است؟»، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و یکم، صفحات ۱۶۰-۱۳۵.

۲۸. فلچر، جورج پی (۱۳۸۴). مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم.

۲۹. کارخانه، جواد. موسی‌وند، جواد (۱۳۹۵). «بررسی رویکرد کنترل اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم، شماره ۱/۴، صفحات ۸۶-۷۴.

۳۰. کریمی، عبدالوهاب (۱۳۸۹). «پیشگیری از جرم از منظر قرآن»، مجله معرفت، سال نوزدهم، شماره یکصد و چهل و هشتم، صفحات ۹۲-۷۳.

۳۱. گسن، ریموند (۱۳۸۳). «تحول سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب‌نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۰»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، صفحات ۲۸۴-۲۵۱.

۳۲. محبی، جلیل. ریاضت، زینب (۱۳۹۵). «مبانی و مدل کیفرگذاری تعزیری (مطالعه موردی در جرائم علیه امنیت)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، صفحات ۴۰-۳۹.

۳۳. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳). کلیات پیشگیری از جرم، تهران: نشر میزان.

۳۴. موسوی، سید پوریا. رستمی، هادی (۱۳۹۹). «مصالح عالی‌هی کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران (با تأکید بر پاسخ‌های تعزیرمدار)»، مجله حقوقی دادگستری.

۳۵. مؤیدی، محمد صالح، «حقوق جزای عمومی ۱»، (۱۳۹۰).

۳۶. مهدوی، محمود (۱۳۹۸). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)، تهران: انتشارات: سازمان

سمت، چاپ چهارم، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۶۵۴-۸

۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۶). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، صفحات ۶۲۸-۶۰۵.
۳۸. نریمانی، زینب. طاهری نیا، علی باقر (۱۳۹۹). «نقش روابط بین فردی و سرمایه‌ی روان‌شناختی در ایجاد امنیت روانی براساس تحلیل محتوای کیفی نامه‌های امام علی به کارگزاران»، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صفحات ۱-۲۸.
۳۹. وایت، راب. هینز، فیونا (۱۳۸۳). جرم و جرم‌شناسی، ترجمه‌ی علی سلیمی، قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۴۰. یعقوبی، احمدابن ابی یعقوب (۱۳۷۹). تاریخ‌الیعقوبی، بیروت: دارالمسیره، جلد دوم.